



به همت خادمان کاروان «زیر سایه خورشید» رقم خورد

رهایی بخشی

۵۰ زندانی نیازمند در فارس

۴

حجت الاسلام و المسلمین محمد الهی خراسانی از منطق کنتگری حزب‌الله می‌گوید

ایستادن پای کار خدا

۲



پاسخ دکتر سیمافردوسی به یک پرسش اساسی

مدیریت تاب‌آوری خانواده

در مواجهه با محدودیت‌های کرونایی

۳

کتاب «واکوی نظر به عدالت در تفکر اسلامی» منتشر شد

تلاشی برای تصویرسازی

از مواجهه اسلام با عدالت

۲

تولید نرم‌افزار

مجموعه آثار مؤسسه دارالحديث

۲

شب‌شعر بین‌الملل

«کرامت رضوی» برگزار شد

۴

مجازآباد

نذار کربلا نیومدن واسمون عادی شه



محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در شب زیارتی امام حسین (ع) ویدیویی را در صفحه مجازی خود منتشر کرده و از دل‌تنگی برای زیارت حرم ابا‌عبدالله‌الحسین(ع) نوشت: «

«عادی شدن»... تا حالا بهش فکر کردی؟

خصوصاً آگه اون موضوع درباره کاری باشه که به زمونی دیوونه وار دوستت داشتی...چیزی ترسناک‌تر از این توی دنیا وجود نداره... یا ابا‌عبدالله! نذار کربلا نیومدن واسمون عادی بشه صلی الله علیک یا ابا‌عبدالله‌الحسین(ع)».

تعقل، تدبر و قاطعیت



حمدرضا کائینی با انتشار تصویری از سیدابراهیم رئیسی در دهه ۶۰ و در حال سخنرانی برای رزمندگان در صفحه اینستاگرامش نوشت: «شاید شناخت من از روحیات آقای سیدابراهیم رئیسی، بیشتر در خلال گفت و شنودهایی ایجاد شده باشد که با او انجام داده‌ام.

آنچه در ویژگی‌های آقای رئیسی، بیش از همه شاخص می‌نماید، تعقل، تدبیر، قاطعیت و خستگی‌ناپذیری اوست. چیزی که در دوره پیشین انتخابات، به چشم دشمن آمد و بعداً اعتراف کرد: «علت تلاش ما برای انتخاب نشدن رئیسی، این بود که می‌دانستیم او نخواهد گذاشت کشور به این شرایط شکننده برسد.»

آن روزها



درباره یکی از مزارهای مشهور و همسایه حرم رضوی

زنده‌یاد عطاردی

و کشف اسرار

«گنبد خشتی»

محمدرضا انصافی: برای افرادی که از سمت خیابان طبرسی به زیارت حرم امام رضا(ع) مشرف می‌شوند، نام «گنبد خشتی» آشناست. مزاری که نزدیک دروازه قدیم نوغان مشهد قرار داشته و امروزه در نزدیکی خیابان طبرسی است و کوچهای را به نام آن نام‌گذاری کرده‌اند. این بنا، مراجعان و زائران بسیاری دارد؛ با این حال، کمتر کسی از احوال صاحب آن آگاه است. برخی به اشتباه، وی را برادر امام رضا(ع) می‌دانند. جالب اینکه طی سال‌های متمادی از حضور این مزار در نزدیکی حرم، کمتر کسی به فکر افتاده است درباره آن اطلاعاتی کسب

کند. تا اینکه چند دهه پیش، نظر زنده‌یاد استاد عزیزالله عطاردی، از پژوهشگران نامی معاصر و خراسان‌شناسان برجسته، به این بنای کهنسال جلب شد و تصمیم گرفت اطلاعاتی درباره آن بدست آورد. او در کتاب «فرهنگ خراسان» می‌نویسد: «پس از ورود به بقعه، به نوشته‌های داخل آن پرداختم و بعد وارد حیاط کوچک آن شدم؛ سپس کنار صندوق رقیمت‌تا مگر نوشته‌ای را در آنجا مشاهده‌کنم و سرنخی بدست بیآورم. متوجه شدم زیر پارچه روی قبر نوشته‌هایی هست و خطوطی روی سنگ قبر وجود دارد... به متصدی بقعه که در گوشه‌ای نشسته بود

مراجعه کردم و از او خواستم تا پارچه روی قبر را بردارد که بتوانم خطوط آن را بخوانم. او گفت که اجازه این کار را ندارد و باید از اداره اوقاف خراسان مجوز بگیرم». مرحوم عطاردی به سرعت مقدمات گرفتن مجوز را فراهم کرد و سپس با مسئولان اداره اوقاف به بنای گنبد خشتی بازگشت و در حضور آن‌ها، پارچه را از روی قبر برداشت. با نوشته‌های جالبی برخورد کرد؛ صاحب قبر، طاهر بن محمود بود که نسبش با ۱۶ واسطه، به امام موسی بن جعفر(ع) می‌رسید و در واقع از سادات موسوی شهر مشهد محسوب می‌شد. سال ساخت

بنا، براساس مندرجات آن کتیبه، سال ۸۳۲ق. است. مرحوم عزیزالله عطاردی می‌نویسد: «معلوم می‌شود که صاحب بقعه و پدرش از نقیبان طوس و مشهد بوده‌اند و علاوه بر منصب نقابت، از علما هم به شمار می‌رفته‌اند و از حکام و امرای عصر خود به حساب می‌آمده‌اند. آن‌ها معاصر شاهرخ تیموری بوده و در هنگام ساخت مسجد گوهرشاد در مجاورت حرم مطهر در سال ۸۳۲ق. زنده بوده‌اند». براساس اشعاری که در کتیبه‌های داخل بقعه وجود دارد، بنای گنبد خشتی در دوره صفوی، بدست حاج شجاع بنای اصفهانی ترمیم شده است.

درباره مکان‌ها و نیت‌های از یاد رفته‌ای

که روزگاری همسایه اماکن متبر که بودند

«یادش بخیر» های

اطراف حرم

هرچند این روزها شهر مشهد، یک شهر بزرگ با محدوده جغرافیایی گسترده و به نظر بی‌هویت است، روزگاری مفهوم و معنای مشهد، یعنی محل شهادت امام رضا(ع)، بر هویت شهر غلبه داشت و هر مکان و هر رسم و آیینی، حول محور حرم مطهر شکل می‌گرفت. حتی معماری شهر به گونه‌ای بود که بیشترین سنخیت را با معماری حرم داشته باشد. آن روزها هنوز تب ساخت‌وسازهای گسترده و سریع در جلگه مشهد بالا نگرفته بود؛ مشهد شهری بود با مردمان آسوده از هیاهوی روزگار و ساکن محلات و مشتری بازارهایی که می‌شد از تمام آن‌ها، عطر خوش حرم ثامن‌الحجج(ع) را حس کرد. اطراف حرم رضوی روزگاری بیشتر به مکان استقرار فعالیت‌های تجاری یا کاروانسراهایی که پذیرای زائران بودند، اختصاص داشت؛ البته معدود خانه‌هایی هم بود که آن‌ها هم به کار اسکان زائران مبادرت می‌ورزیدند. در آن دوره، نه پاساژی بود و نه مجتمع‌های تجاری پر زرق و برق؛ سرایی بود و تیمچه‌ای. سراها، مکان‌های اختصاصی فعالیت‌های بازرگانی بودند؛ همه آن‌ها رو

به حرم مطهر داشتند و دروازه‌شان به سمت اماکن متبرکه باز می‌شد. «سرای سالار» در جنوب حرم، سرای «خان میرمعین» یا «ازبک‌ها» در پایین خیابان، «سراچه» صحن عتیق، سراچه «بالای بازار بزازان»، «سرای سلطانی»، «سرای ابوالحسن عراقی» که قدمتش به دوره غزنوی می‌رسید و....



شب شعر آیینی حماسه واژه‌ها در مشهد برگزار شد

با وجود سایه‌ات خورشید می‌خواهم چکار



این رویداد ادبی دومین برنامه از سلسله شب شعرهای حماسه واژه‌ها است که با حضور شاعران مطرح کشور از جمله دکتر محمود اکرامی فر، مصطفی محدثی خراسانی، سعید بیابانکی، ذکریا اخلاقی، استاد محمد جواد غفور زاده شفق، قاسم رفیعا، محمد کاظم کاظمی، زکریا اخلاقی، دکتر حسن دلبری و راضیه زجاجی در نگارخانه رضوان برگزار شد.

جلیل فخرایی:

همزمان با ایام ولادت سلطان سریر ارتضا حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) شب شعر آیینی حماسه واژه‌ها در نگارخانه رضوان مشهد و به‌همت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی برگزار شد.

امیرمهدی حکیمی مدیرعامل مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس در این باره گفت: این رویداد ادبی دومین برنامه از سلسله شب شعرهای حماسه واژه‌ها است که با حضور و شعرخوانی شاعران مطرح کشور از جمله دکتر محمود اکرامی فر، مصطفی محدثی خراسانی، سعید بیابانکی، ذکریا اخلاقی، استاد محمد جواد غفور زاده شفق، قاسم رفیعا، محمد کاظم کاظمی، زکریا اخلاقی، دکتر حسن دلبری و راضیه زجاجی در نگارخانه رضوان برگزار می‌شود.

حکیمی اضافه کرد: هدف ما معرفی ۴۰ سال شعر فارسی در راستای تقویت همدلی شاعران معاصر برای تدوم آرمان‌های ادبی مرکز و کشور است و در این سلسله برنامه‌ها آیین‌های تمام نما از شعر انقلاب را به تماشای اهل ادب می‌گذاریم.

مدیر عامل مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان‌قدس ملاک در انتخاب آثار را فاخر بودن یکی دو اثر از آثار هر شاعر مربوط به هر دوره زمانی دانست و تصریح کرد: برگزاری مجموعه این شب شعرها مجموعه‌ای نفیس از شعر انقلاب است. وی سپس به یکی از آفات شعر پس از انقلاب اشاره کرد و گفت: آفت بزرگ در شعر پس از انقلاب کمبود فضای ذهنی محتوایی و مطالعاتی برای شاعران جوان است که این معضل سبب شبیه‌تر شدن آثار شعری جوان به همدیگر شده است. در ادامه شعر خوانی شاعران به‌سکان‌داری سعید بیابانکی که ابتدا به قرائت شعری پرداخت آغاز شد:

نشسته ام به رواقی به گوشه حرمش / رها ره‌ای رها زیر آبشار غمش / یقین به چشمه تسنیم دوست متصل است / که نور می‌چکد از روزن سپیده دمش / چه سال‌ها که هم آوای نوبتی خوانان / رسیده

است به گوشم طنین زیر و بمش / به کاطمین و به مشهد سلام و عرض ادب / عشق را این‌گونه سرود : چو آیینه هرچند کتیم دل از این حریم و زاین درگاه / قسم به مادر بی بارگاه و بی حرمش.

■ به دروازه‌های خراسان رسیدم

سپس قاسم رفیعا بچه محله امام رضا نیز به قرائت آثار خود پرداخت و پس از وی مصطفی محدثی خراسانی نیز قدمگاه عشق را این‌گونه سرود : چو آیینه هرچند حیران رسیدم / زمشکل گذشتم، به آسان رسیدم / چو ابری گره در گره، بغض در بغض / به باران، به باران، به باران رسیدم... به مهرم بنامید زین پس، به خورشید / به دروازه‌های خراسان رسیدم.

در ادامه حجت الاسلام صفری زرافشان اشعار آیینی خود را قرائت و پس از آن حجت الاسلام زکریا اخلاقی استاد حوزه و شاعر معاصر به ارائه رباعیات طریق رضای خویش پرداخت :

پس از وی شعری قرائت شد که شهرت اثر بیشتر از شاعر آن زبائزده خاص و عام شده است غزلی توسط دکتر حسن دلبری شاعر خوب دیار سبزوار :

اینجا طلسم گنج خدایی شکسته باش / پایوس لخته‌های نوشایی شکسته باش / در کوهسار گنبد و گلدسته‌های او / حالی

بیپچ و مثل صدایی شکسته باش / وقتی به گریه می‌گذری در رواق ها / سهم تمام آینه‌های شکسته باش... آنجا شکستی و «طلب» پدند و آمدی / اینجا که در مقام «فنا» بی شکسته باش.

■ چه کند بی تو دل خسته پریشانی‌ها؟

پس از عاطفه سادات موسوی و سیده فاطمه موسوی، راضیه زجاجی به قرائت اثر خویش پرداخت : .. چه کند بی تو دل خسته پریشانی را / کاش صبحی برسد این شب طولانی را / تویی آن چشمه جوشنده خورشید که ما / مهر کردیم به مهرت همه پیشانی را... من‌که روشن‌تر از این صبح گواه آوردم / باز خورشید جهان‌تاب خراسانی را.

دکتر محمود اکرامی فر نیز با غزلی به ارادت نزد مولایش پرداخت:

باوجود سایه ات خورشید می‌خواهم چکار / گنج قارون شوکت جمشید می‌خواهم چکار / من که از صحن عتیقت تا خدا پر می‌کشم / عمر نوح و شوکت جاوید می‌خواهم چکار / آفتاب صبح مشهد در دلم تا جاری است / سایه بی اعتبار بید می‌خواهم چکار... حال خوش خیلی گرفتم از حرم خیلی زیاد / هیچ‌کس از من نمی‌پرسید می‌خواهم چکار.

و در پایان رضا رحیمی عنبران شاعر

صمیمی و چهره همیشه مهربان شب‌های شعر حرم مطهر رضوی غزل خویش را تقدیم کرد :

کوچه در کوچه، قدم تا به قدم، بست به بست / همه جا سمت ورودی حرم زائر هست / گنبدت خُم می‌ماست که این‌گونه شدند / زائرت مست و دلم مست و کویتر ها! مست / خانه ای که نکند فخر به همسایگی ات / شک ندارم، به یقین! می‌کند از پایه نشست / تکیه گاهم تویی و روی به هرکس نکنم / به تو محتاجم و بر مهر تو پشتم گرم است / پای پس می‌کشم از جاده عشقت؟ هرگز! / آه هیهات که بردارم از آیین تو! دست / دل در این معرکه بی سر و سامان، آری! / پای این قول ولی، عهد عزیزان شکست!

مردی از طایفه آینه‌ها بر می‌خواست / آنکه در جاده افتادگی از پا نشست / برف می‌ماند چنان چغیغه که بر شانه کوه / دشت سربند به پیشانی طوفان می‌بست / قسمت این‌بود که دیدید، به احباب قسم / حاج قاسم به رفیقان شهیدش پیوست / نظر مرحمتی کن تو در آن وقتی که / می‌رسد سمت حرم پیکر من برسرو دست.

بدین ترتیب شب شعر حماسه واژه‌ها دفتردیگر خویش را با حضور شاعران منتخب خراسان و کشور گشود و بست.

نیمکت‌زندگی

در مهربانی کاش پیر شویم

رقیه توسلی

امروز از آن روزهاست. تا چشم کار می‌کند، آمار بالاست. آمار زنان و مردانی که تصمیم گرفته‌اند دیگر با هم زندگی نکنند و بروند پی کار خودشان. پی تنهایی‌خودشان. اصلاً این سال‌ها، روند زندگی زناشویی تغییر کرده و عجیب و غریب آدم‌ها از هم دل می‌پُرند و علاقه‌ای ندارند نقش همسر فداکار و بساز و عاشق را بازی کنند. از سوزه فیلم‌ها و کتاب‌ها بگیر تا اخبار واقعی که از دوست و اقوام می‌رسد، تا همسایه و همکار.

نوبت دکتر دارم و نشست‌ام توی اتاق انتظار، پدرومادری هم پسرکشان را آورده‌اند مطب. بعد نیم ساعت ملتفت می‌شوم از هم جدایند و به‌خاطر بیماری کودک، جمع شده‌اند دور هم. اوضاع پیچیده و ناخوشایندی است. به اندازه زمین و آسمان فاصله و دوری است بین این مادر و پدر. بین اعضای این خانواده.

خودم را مشغول پاک کردن گالری گوشی همیشه پُرَم می‌کنم تا کمتر فکر کنم... به خانوم مطلقه‌ای که قبل رفتن به اتاق معاینه، ۱۰ دقیقه‌ای برایم درددل کرد... به آقای منشی که تا حدودی از روزگارش باخبرم. برادر یکی از همکاران است و تازه از خانومش جدا شده... به خانواده‌ای که نشسته‌اند روبه‌رویم و زندگی مشترک تمام شده‌شان.

عکس به عکس و پوشه به پوشه می‌روم جلو و پاک می‌کنم. موبایلم دارد نفس می‌کشد اما ذهنم، نه! تا خرخره پُر است. حال آدمی را دارم که زیر یک علامت سؤال غول‌پیکر ایستاده... گنگ و منگ... که آن‌ها وارد می‌شوند. پیرمرد و پیرزنی ماسک زده، همان‌ها که ۷۵ سال به‌گمانم از خدا عمر گرفته‌اند.

توی این روز کریه، آمدنشان عین نور و کاتالیزور بود. پیرمرد دو بار می‌آید سراغ منشی که «دور سرت برگردم اگر می‌شود ما زودتر بریم پیش طبیب. خانومم نفکسش بالا نیما.د. الهی من پیش‌مرگش بشم. حالش اورزانیسه.»

منشی، من را نشان می‌دهد که نوبت این خانوم است اگر اجازه بدهند، مشکلی نیست حاج آقا. پیرمرد سر می‌چرخاند سمت من و می‌گوید: دخترم، لطف می‌کنی نوبت رو بدی به ما. دعا می‌کنم عوضش رو از خدا بگیري.

جوابش را که می‌گیرد خوشحال می‌رود سروقت عشق قدیمی‌اش. موبایل را رها می‌کنم و به‌وضوح می‌بینم اتمسفر اتاق عوض شده. زوج مسن کار خودشان را می‌کنند. صدای قربان صدقه رفتن پیرزن هم بلند می‌شود.

به‌خدا که حظ دارد وسط تمام روابط بد و دوزاری، همسرانی پیدا شوند روزت را بسازند. که یکی با گوشه چاقرد، عینک مردش را پاک کند و دیگری دستمال عرق‌چین بکشد روی پیشانی زنتش.

پی‌نوشت

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: به زمینیان مهربانی کنید تا آنکه در آسمان است به شما مهر بورزد.



پنهانی صدقه خشم

پروردگار را فرو و می‌نشاند.

پنهانی صدقه خشم

پروردگار را فرو و می‌نشاند.

پنهانی صدقه خشم

پروردگار را فرو و می‌نشاند.

پنهانی صدقه خشم

پروردگار را فرو و می‌نشاند.

پنهانی صدقه خشم

پروردگار را فرو و می‌نشاند.

پنهانی صدقه خشم

پروردگار را فرو و می‌نشاند.

پنهانی صدقه خشم

پروردگار را فرو و می‌نشاند.

پنهانی صدقه خشم

پروردگار را فرو و می‌نشاند.

پنهانی صدقه خشم

پروردگار را فرو و می‌نشاند.

پنهانی صدقه خشم

پروردگار را فرو و می‌نشاند.

www.QUDSONLINE.IR

قطار تهران-مشهد
ریه‌هایی که تحمل هوای این زمین را نداشت
الهه ارجمندی راه: تمام زندگی‌اش بساط لباس‌های مردانه‌ای بود که داخل ساک بزرگش جا می‌داد و روی دوشش می‌دلخاخت. گاهی بساطش را اطراف امامزاده صالح پیشش می‌کرد و گاهی هم نه، هرجا که پیشش آید، خوش آید. پنجشنبه‌ها مرد قد امام می‌شد. هم برای زیارت مرتدش دوستی‌هایی که او را جا گذاشته بودند، هم ساکنان را می‌برد چایید پیچید کاسب

مواظبه
آیت‌الله محمدعلی جوادان
◀ چراغ دلت جقدر نور داره؟
ایمان آدم است. کار عمل خوب کنیید نورش بیشتر تا اینکه خدای نکرده خاموش می‌شود. این چراغ با



حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا آل لویب در گفت‌وگو با خبرنگار قسم آنلاین، با بیان اینکه نباید توجه ما به ائمه اطهار(ع) منحصر به ایام ولادت و یا شهادت آن‌ها باشد، عنوان کرد: اینکه ولادت خاندان عصمت و طهارت، از کارهای می‌داریم به این معنی نیست که دیگر ایام سال، آن‌ها را فراموش کنیم.
ام و پیروی از ایشان را سرلوحه زندگی خود می‌داند.
او اضافه داد: ائمه اطهار(ع) چراغ راه هدایت و راهنمایی هستند و باید یاد آن‌ها همیشه در ذهن ما ثبت باشد.
دلیل اینکه در ایام ولادت و یا شهادت ائمه اطهار(ع) مراسم برگزار می‌کنیم، این است که به شئائر الهی کار حفظ کرده و نام آن‌ها را گرامی بداریم و این موضوع را برای خود یادآور باشیم که چنین شخصیتی در کدام روز متولد شده و وظیفه ما در قبال او چیست؟
حجت الاسلام و المسلمین آل ایوب اظهار کرد: خداوند تبارک و تعالی در سوره مبارکه حج می‌فرماید: «مَنْ يُظَفِّرْ شَمَائِرَ آلِ لُقَآنٍ مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ، بَدِنَ عَمَلِيْ كِهْ رَسْ كَسْ عَمَلِائِرِ خُدَا رَا بَرْكَ حُدَا خُدَا، اِنِّهْ صَفْتِ دَعْوَاتِهَا بِتَقْوَاتِهَا. وَ مَحْتَرَمِ دَارِهَا، اِنِّهْ مِنْ حُجُبِ بِيْرْتِهَا مَا يَنْقُوسِتْ. شَعَائِرُ بَا اِنِّ عَمَلِيْ سَمِيْعٌ كِهْ شَيْءٌ يَأْمُرُ بِمَوْجِبِهَا وَ نَمَائِنِ كُنِيْمٌ تَا هَمِيْشِهْ بَقَائِدِرْ وَ اسْتَوَارْ بَقَائِدِرْ وَ هَمِيْنِ دَلِيْلِ يَابِدِ كَفْتِ بَزْرْگِشَادِ ائْمِهْ اطهار(ع)

www.QUDSONLINE.IR

می‌شد. خودش می‌گفت خوبی شغلش همین است که می‌تواند هرچایی برود، میان مردم زندگی کند و روی خرد را هم درآورد. اما این روزها هوای تهران زیاده برای ریه‌های او درآشادش اولیده بود. دوست داشت از تهران بکند و در شهری کوچک و خوش آب و هوا زندگی کند. اما پایبند بچه‌ها بود. بچه‌هایی که هنوز

خدمت به مردم، خدمت به پدر و مادر، نماز اول وقت، مواظبت از دروغ و غیبت و تهمت و پرهیز از نگاه به نامحرم قوت می‌گیرد و آن‌قدر قوت می‌گیرد که مثل خورشید می‌شود. همه سعادت آدم در عوالم پس از دنیا به این نور وابسته است. چراغ دلت جقدر



جزئی از شعائر الهی است.
وی با بیان اینکه چندین وظیفه در قبال این امامان توصیه ما به ائمه اطهار(ع) برعهده ما نهاده شده است، تصریح کرد: نخستین وظیفه این است امام‌محور را در زندگی خود متجلی سازیم. یعنی همانطور که با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد الهی خراسانی با هدف بازخوانی هویت حزب‌الله و پاسخ به پرسش در خصوص «تنظیم کشتگری حزب‌الله» است که به صورت پیوسته تنظیم شده است.

جزئی از شعائر الهی است.
وی با بیان اینکه چندین وظیفه در قبال این امامان توصیه ما به ائمه اطهار(ع) برعهده ما نهاده شده است، تصریح کرد: نخستین وظیفه این است امام‌محور را در زندگی خود متجلی سازیم. یعنی همانطور که با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد الهی خراسانی با هدف بازخوانی هویت حزب‌الله و پاسخ به پرسش در خصوص «تنظیم کشتگری حزب‌الله» است که به صورت پیوسته تنظیم شده است.

کتاب «واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی» منتشر شد
تلاشی برای تصویرسازی از مواجهه اسلام با عدالت

کتاب «واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی» منتشر شد

کتاب «واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی» منتشر شد

کتاب «واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی» منتشر شد

کتاب «واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی» منتشر شد

کتاب «واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی» منتشر شد

کتاب «واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی» منتشر شد

کتاب «واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی» منتشر شد

سروسامان نگرفته بودند و به زندگی شلوغ تهران عادت نداشتند. هرچند رحیم و رحمان خرج خود و تحصیلشان را از شاگردی خود و حتی گاهی برای خانه خرید می‌کردند اما او هنوز خود را مسئول زندگی می‌دانست.
پسرها را کار پداصلی شمرنده بودند اما به روی خودشان نمی‌آوردند. این را خودش هم می‌دانست.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.
پسرها هرگز نمی‌توانند بهشت را در دل خود روشن کرده و به نامحرم نگاه نکنند. دروغ نگویند، غیبت نکنند و به پدر و مادرش احترام بگذارند. این چراغ روشن می‌شود.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.
پسرها هرگز نمی‌توانند بهشت را در دل خود روشن کرده و به نامحرم نگاه نکنند. دروغ نگویند، غیبت نکنند و به پدر و مادرش احترام بگذارند. این چراغ روشن می‌شود.

سجادخدائی
سجادخدائی
تأکیدرهبر
معظم انقلاب بر کلیدواژه «حزب‌الله» در تعبیری که به‌خصوص برای تشکیل دولت اسلامی با عنوان «دولت جوان حزب‌الله» یا خطاب به جوانان به صورت «جوان مؤمن حزب‌الله» مورد استفاده قرار می‌دهد، ما را بر آن داشت بیش از پیش به هويت، خاستگاه و آسپه‌شناسی این مفهوم یا آنچه آن را «جریان حزب‌الله» تعبیر می‌شود، بپردازیم.
کشتگری اقدامی است که هر گروه اجتماعی برای هدف مشخص انجام می‌دهد. این روز ولادت است

سختن امام(ع)، سخن امام(ع)، سخن پيغمبر(ص) است و سخن پيامبر(ص)، سخن خدا. باید نقش امام(ع) در زندگی، اخلاق، گفتار و سیره عملی، کاملاً محسوس و نمایان باشد.
وی دویمین وظیفه در قبال امامان معصوم(ع) را تطبیق سبک زندگی خود با سبک زندگی ائمه اطهار(ع) دانست و افزود: گرامیداشت ولادت و یا شهادت آن‌ها باشد، عنوان کرد: اینکه ولادت و یا شهادت ائمه اطهار(ع) مراسم برگزار می‌کنیم، این است که به شئائر الهی کار حفظ کرده و نام آن‌ها را گرامی بداریم و این موضوع را برای خود یادآور باشیم که چنین شخصیتی در کدام روز متولد شده و وظیفه ما در قبال او چیست؟
حجت الاسلام و المسلمین آل ایوب اظهار کرد: خداوند تبارک و تعالی در سوره مبارکه حج می‌فرماید: «مَنْ يُظَفِّرْ شَمَائِرَ آلِ لُقَآنٍ مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ، بَدِنَ عَمَلِيْ كِهْ رَسْ كَسْ عَمَلِائِرِ خُدَا رَا بَرْكَ حُدَا خُدَا، اِنِّهْ صَفْتِ دَعْوَاتِهَا بِتَقْوَاتِهَا. وَ مَحْتَرَمِ دَارِهَا، اِنِّهْ مِنْ حُجُبِ بِيْرْتِهَا مَا يَنْقُوسِت. شَعَائِرُ بَا اِنِّ عَمَلِيْ سَمِيْعٌ كِهْ شَيْءٌ يَأْمُرُ بِمَوْجِبِهَا وَ نَمَائِنِ كُنِيْمٌ تَا هَمِيْشِهْ بَقَائِدِرْ وَ اسْتَوَارْ بَقَائِدِرْ وَ هَمِيْنِ دَلِيْلِ يَابِدِ كَفْتِ بَزْرْگِشَادِ ائْمِهْ اطهار(ع)

حقاقلش این بود که برای بدست آوردن دل آن‌ها اجازه نمی‌داد با درصد جانبازی او سهمیه خرج خود و تحصیلشان را از شاگردی خود و حتی گاهی برای خانه خرید می‌کردند اما او هنوز خود را مسئول زندگی می‌دانست.
پسرها را کار پداصلی شمرنده بودند اما به روی خودشان نمی‌آوردند. این را خودش هم می‌دانست.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.
پسرها هرگز نمی‌توانند بهشت را در دل خود روشن کرده و به نامحرم نگاه نکنند. دروغ نگویند، غیبت نکنند و به پدر و مادرش احترام بگذارند. این چراغ روشن می‌شود.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.
پسرها هرگز نمی‌توانند بهشت را در دل خود روشن کرده و به نامحرم نگاه نکنند. دروغ نگویند، غیبت نکنند و به پدر و مادرش احترام بگذارند. این چراغ روشن می‌شود.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

طلب کند اما انگار خبری به‌صورت ناشناس و به‌طرقی دیگر آن‌ها را راهی حرم امام رضاع) کرده بود. خدا را شکر کرد و این کار را هم نکرد. خیلی از ریخته بود. جز یک باری پیش از جنگ، به همیشه می‌گفت سایه مرد که بالای سرش است و مردش هم با بساطش را آورده بود. حالا که با سایه‌خاتم به زیارت مشهد رفت، وقت و همیشه بوسه زد. بچیندش را که دید خدا را

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.
پسرها هرگز نمی‌توانند بهشت را در دل خود روشن کرده و به نامحرم نگاه نکنند. دروغ نگویند، غیبت نکنند و به پدر و مادرش احترام بگذارند. این چراغ روشن می‌شود.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.
پسرها هرگز نمی‌توانند بهشت را در دل خود روشن کرده و به نامحرم نگاه نکنند. دروغ نگویند، غیبت نکنند و به پدر و مادرش احترام بگذارند. این چراغ روشن می‌شود.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

از همان روزها شمرنده عالی بود. آن‌قدر خانم چان در انتخاب زن زندگی برایش سنگ تمام گذاشته بود که هیچ وقت کم می‌سویی و شکایتی از این زن ندیده بود. خودش مسافران گویه را که دید بی‌هوا سرش را روی نشان زن گذاشت و شفاشش را بست. کسی آرام گرفت. به مشهد رفت کرد.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.
پسرها هرگز نمی‌توانند بهشت را در دل خود روشن کرده و به نامحرم نگاه نکنند. دروغ نگویند، غیبت نکنند و به پدر و مادرش احترام بگذارند. این چراغ روشن می‌شود.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

برای همه فکاهاری‌های همراه زندگیش شکر کرد. نگاهش باز به سرفه افتاد. این روزها سرفه‌های پایلی، آمانش را می‌برد. انگار دیگر تحمل هوای این دنیا را ندارد. نگاه متعجب مسافران گویه را که دید بی‌هوا سرش را روی نشان زن گذاشت و شفاشش را بست. کسی آرام گرفت. به مشهد رفت کرد.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.
پسرها هرگز نمی‌توانند بهشت را در دل خود روشن کرده و به نامحرم نگاه نکنند. دروغ نگویند، غیبت نکنند و به پدر و مادرش احترام بگذارند. این چراغ روشن می‌شود.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

سال و با عالیه وارد صحن سخفانه می‌شدند. کتده می‌آوردند. خادمش را می‌برد آب می‌آورد و او مشتاق: آب را می‌نوشد. لبخندی می‌زند و سر را به سوی گویه بند می‌کند... «السلام علیک یا امام فریب...» بساط خود را می‌برد و گاهی از پهن است و مشتتری دیگری دارد. مشتتری که با همه مشتتری‌های قبلی فرق دارد. آنکه

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.
پسرها هرگز نمی‌توانند بهشت را در دل خود روشن کرده و به نامحرم نگاه نکنند. دروغ نگویند، غیبت نکنند و به پدر و مادرش احترام بگذارند. این چراغ روشن می‌شود.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

امروز بالاسر بساطش نشسته نمی خواهد از بساطش چیزی برداشته بود. بخیرد. شاید غریب به نظر برسد ولی این آن چیزی است که زیر سایه این سرفه‌های سنگین دارد داخل سر مردم می چرخد.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.
پسرها هرگز نمی‌توانند بهشت را در دل خود روشن کرده و به نامحرم نگاه نکنند. دروغ نگویند، غیبت نکنند و به پدر و مادرش احترام بگذارند. این چراغ روشن می‌شود.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

www.QUDSONLINE.IR

او دارد در روضه منوره، حضرت را زیارت می‌کند. به مشتش برمی‌کشد و جواب عالی را می‌دهد اما انگار او صدايش را نمی‌شنود... باز

صدايش می‌کند. صچه می‌زند.

بر سر خود می‌زند. شفاشش را خوبان را صدا می‌زند اما مرد با لبخنده زیبا به خواب عمیقی رفته و دیگر سرفه‌های طولانی، او و دیگران را ادیت نمی‌کند.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

نور داره؟ به همان مقدار هم سعادت داری. وسعت بهشت هر کسی به مقدار این نور است.

رسم زندگیه

پاسخ دکتر سیمافردوسی به یک پویش اساسی

مدیریت تاب آوری

